

تأثیر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی کشورهای برگزیده نفتی و توسعه یافته: رویکرد پانل GMM

عبداله پورجوان^۱ ابوالفضل شاه‌آبادی^۲ مجتبی قربان‌نژاد^۳ حسین امیری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۷/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۸/۱۵

چکیده

به طور بالقوه ثروت منابع طبیعی به ویژه نفت می‌تواند در رونق اقتصادی کشورها بسیار سودمند باشد، اما تجربه اقتصادی گویای آن است که بیشتر کشورهای عمده صادرکننده منابع طبیعی با رشد اقتصادی بی‌ثبات، بیماری هلندی، فساد، حکمرانی ضعیف و توسعه-نیافتگی روبه‌رو هستند. با توجه به نقش حیاتی منابع طبیعی در توسعه، پژوهش پیش‌رو با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) به بررسی رابطه آماری بین صادرات منابع طبیعی (به عنوان متغیر جایگزین وفور) و شاخص‌های حکمرانی در کشورهای برگزیده نفتی و صنعتی طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۱ می‌پردازد. شواهد آماری مستحکم اثر منفی صادرات منابع طبیعی را بر شاخص حکمرانی، کیفیت مقررات، تأمین قضایی و کنترل فساد

۱. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه شهید چمران، اهواز (نویسنده مسئول)، Email: Pourjavan1985@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، Email: Shahabadia@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه شهید چمران، اهواز، Email: Ghorbannezhad@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، Email: hossienamiri@gmail.com

در کشورهای برگزیده نفتی تأیید می‌کند. اما به دلیل تقویت ساختارها و نهادهای اجرایی، فنی و نظارتی در کشورهای توسعه یافته عضو OECD، این ارتباط منفی از استحکام آماری برخوردار نیست و برای همین در این باره نمی‌توان با اطمینان اظهار نظر کرد؛ از این رو به نظر می‌رسد افزایش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات منابع طبیعی در کشورهای نفتی مورد بررسی موجب کاهش پاسخگویی و شفافیت، چرخش مداوم سیاست‌های اقتصادی، گسترش رانت‌جویی، فساد و اقتدارگرایی و تأخیر در نیل به اهداف توسعه اقتصادی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: منابع طبیعی، حکمرانی، کشورهای نفتی و صنعتی، بلای منابع، GMM.
JEL: F10, O13, Q32.

۱. مقدمه

طی چندین دهه گذشته مطالعات بسیاری در مورد نقش منابع طبیعی در توسعه اقتصادی انجام شده است. برخی اقتصاددانان نخستین نشانه وفور منابع را بروز بیماری هلندی می‌دانند که از طریق افزایش ساختگی ارزش پول ملی، کاهش قدرت رقابت‌پذیری بخش غیرنفتی و نرخ رشد اقتصادی، کشور را با آسیب روبه‌رو می‌کند (کروگمن^۱، ۱۹۸۷). اما نظریه‌های جدید اقتصاد سیاسی بر اهمیت رانت‌جویی (لین و تامل^۲، ۱۹۹۹؛ بلاند و فرانکوئیز^۳، ۲۰۰۰؛ تارویک^۴، ۲۰۰۲؛ هلدر^۵، ۲۰۰۶)، فساد سیاسی و محدودیت مردم‌سالاری و اعتماد اجتماعی (کالستاد و ویگ^۶، ۲۰۱۲) با شیوه‌های حکمرانی ناکارا متمرکز شده‌اند. به‌طور کلی، اثرات وفور منابع طبیعی روی رشد و توسعه اقتصادی بسیار متفاوت است و به‌شدت به ویژگی‌های خاص نهادی و سیاسی هر کشور بستگی دارد (دانیل^۷، ۲۰۱۱).

از سوی دیگر، تجربه تاریخ اقتصادی جهان طی چنددهه گذشته طیف گسترده‌ای از عملکرد توسعه کشورهای سرشار از منابع طبیعی را نشان می‌دهد (کاربونیر و همکاران^۸، ۲۰۱۱). کشورهای صنعتی مانند نروژ و ایالات متحده در تبدیل ثروت ناشی از منابع به رشد و توسعه اقتصادی موفق بوده‌اند؛ اما دیگر اقتصادهای دارای منابع سرشار، از جمله نیجریه (و حتی ایران)، نتوانسته‌اند برای نیل به توسعه اقتصادی، بهره‌برداری درستی از این منابع داشته باشند. برای همین از نظر جایگاه در میان کشورهای در حال توسعه قرار می‌گیرند و در اصطلاح گفته می‌شود آنها گرفتار بلای منابع^۹ شده‌اند (اوتی^{۱۰}، ۲۰۰۶).

پژوهشگران زیادی معتقدند کشورهای سرشار از منابع طبیعی نسبت به کشورهای فقیر (از لحاظ منابع طبیعی) به سمت نرخ‌های رشد اقتصادی بی‌ثبات و پایین‌گرایش

-
1. Krugman
 2. P. R. Lane and A. Tornell
 3. J. M. Baland and P. Francois
 4. R. Torvik
 5. R. Hodler
 6. I. Kolstad and A. Wiig
 7. Daniele
 8. Carbonnier et al.
 9. Recourse Curse
 10. Auty

دارند(ساجز و وارنر^۱، ۱۹۹۵؛ مهلوم و همکاران^۲، ۲۰۰۶؛ اوتی^۳، ۲۰۰۷؛ کوکسهد^۴، ۲۰۰۷؛ پاپیراکیس و گرلق^۵، ۲۰۰۴). برخی معتقدند نحوه مدیریت این درآمدها(شیرخانی و همکاران، ۱۳۸۸)، بروزناخشنودی‌های داخلی و اقتدارگرایی و بی‌ثباتی سیاسی(هلدر، ۲۰۰۶)، پیامدهای بیماری هلندی(مینگوی^۶، ۲۰۱۱) و چارچوب‌های نهادی و حکمرانی ضعیف(مهرآرا و کیخا، ۱۳۸۷؛ ابراهیمی و سالاریان ۱۳۸۸؛ مینگوی، ۲۰۱۱) مسیرهای تهدید رشد و توسعه اقتصادی توسط منابع طبیعی به ویژه نفت خام محسوب می‌شوند. در این زمینه اوتی(۲۰۰۷) و بولت و همکاران^۷(۲۰۰۵) اعتقاد دارند تفاوت در اندازه و شدت گسترش رانت منابع طبیعی در جوامع می‌تواند در توضیح واگرایی عملکرد توسعه، تفاوت در سطح مردم‌سالاری و کنترل فساد(ویسنه^۸، ۲۰۱۰ و ویلیامز^۹، ۲۰۱۱)، کیفیت مقررات و حتی سیستم قضایی(هلدر، ۲۰۰۶) بین کشورها از اهمیت بسیار برخوردار باشد.

اکنون سؤال این است که آیا وفور منابع طبیعی به ویژه نفت و کانی در کشورهای نفت‌خیز برای این کشورها هدیه‌ای خدادادی است یا اینکه یک نفرین و عامل بازدارنده بهبود حکمرانی به شمار می‌رود؟ بر این اساس هدف مطالعه پیش‌رو تمرکز بر جنبه‌های نهادی بلای منابع طبیعی است. در این مطالعه تأثیرگذاری بالقوه وفور منابع طبیعی بر وضعیت حکمرانی کشورهای برگزیده صادرکننده نفت^{۱۰} و توسعه یافته^{۱۱} طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد.^{۱۲} از آنجا که برخی مطالعات تأکید دارند شیوه حکمرانی

1. Sachs & Warner
2. Mehlum et al
3. R. Auty
4. Coxhead
5. Papyrakis & Gerlagh
6. C. Mainguy
7. E. H. Bulte and et al
8. P. Vicent
9. A. Williams

۱۰. عضو سازمان اوپک(OPEC) و خاورمیانه: الجزایر، بحرین، اکوادور، مصر، ایران، اردن، کویت، لیبی، نیجریه، عمان، قطر، عربستان، سوریه، امارات، ونزوئلا و یمن.

۱۱. عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه(OECD): استرالیا، اتریش، کانادا، شیلی، جمهوری چک، دانمارک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، نروژ، ترکیه، انگلستان و ایالات متحده.

۱۲. برای مشاهده چکیده داده‌های آماری کشورهای مورد بررسی، پیوست ۱ را ببینید.

خوب و نهادهای کارآمد از عوامل بسترساز رشد بلندمدت باثبات (فایی سا و نیسا^۱، ۲۰۱۰؛ خان^۲، ۲۰۰۷؛ بارو^۳، ۱۹۹۶؛ کمیجانی و سلاطین، ۱۳۸۹؛ شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۹۰)، رقابت‌پذیری و بهره‌وری (بیجونسکف و مئون^۴، ۲۰۱۰؛ شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۸۹) و پارامترهای اساسی توسعه اقتصادی-اجتماعی (شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۹۱) است، بنابراین به نظر می‌رسد بررسی اثر منابع طبیعی بر شاخص‌های حکمرانی، آشکارابه آزمون فرضیه بلای منابع طبیعی بر رشد و توسعه اقتصادی پردازد.

در ادامه چارچوب نظری و پیشینه پژوهش ارائه می‌گردد. پس از آن روش‌شناسی پژوهش و معادله اقتصادسنجی تصریح می‌شود. در بخش پنجم به مباحث تکنیکی و تجزیه و تحلیل یافته‌های اقتصادسنجی پرداخته شده و سرانجام در بخش ششم نتیجه‌گیری و چند پیشنهاد سیاستی بیان می‌شود.

۲. ادبیات موضوع

ادبیات اقتصادی پیرامون ارتباط بین نهادها و بلای منابع طبیعی طیف وسیعی از مباحث اقتصاد سیاسی را دربر می‌گیرد. اقتصاددانان بسیاری برای درک بهتر اثرات متقابل و برهم کنش نقش فرایند استخراج و بهره‌برداری منابع طبیعی و متغیرهای توسعه‌ای و نهادی بر همدیگر از دیدگاه اقتصاد سیاسی، شاخص‌های مختلف و تحلیل‌های گوناگونی ارائه می‌دهند (کالستاد و ویگک، ۲۰۰۹؛ ویسته، ۲۰۱۰). به طور کلی سه مکانیسم نظری وجود دارد که اثرگذاری بلای منابع طبیعی را بر پیکره کشورهای مطرح می‌کند: نخستین و باسابقه‌ترین مکانیسم اثرگذاری، فرضیه بیماری هلندی است که از طریق افزایش ارزش پول ملی و کاهش قدرت رقابت‌پذیری، بر رشد و توسعه اقتصادی اثر منفی می‌گذارد؛ دومین مکانیسم، سرپرستی دولت‌ها بر منابع یا فرضیه مدل‌های اقتصاد سیاسی متمرکز (کمونیستی) است که عدم تخصیص بهینه منابع، پی‌گیری نفع شخصی دولت‌مردان و

-
1. B. Fayissa and C. Nsiah
 2. M. H. Khan
 3. R. J. Barro
 4. C. Bjørnsko and P. G. Méon

مهندسی انتخابات برای بقا در قدرت و غیره بلای آن به شمار می‌رود؛ و سوم، رانت‌جویی یا مکانیسم مدل‌های اقتصاد سیاسی غیر متمرکز یا مبتنی بر نظام بازار است (کالستاد و ویگ، ۲۰۰۹) که در ادامه پیرامون تبیین اثر سوم متمرکز خواهیم شد.

در چارچوب مدل‌های اقتصاد سیاسی مبتنی بر نظام بازار فرایندهای علی گوناگونی وجود دارد که منابع طبیعی بتواند بر پیامدهای سیاسی و نهادی جامعه تأثیر داشته باشد. از یکسو راس^۱ (۲۰۰۱) و تارویک^۲ (۲۰۰۲) بیان می‌کنند اگر دولت درآمدهای مستقیم و قابل توجهی از استخراج منابع طبیعی به دست آورد، ممکن است «اثر رانتی»^۳ پدید آید. به اعتقاد راس (۲۰۰۱) این رانت‌ها می‌تواند سه پیامد مهم برای کیفیت نهادها و حکمرانی داشته باشد:

اول، نیاز دولت به مالیات بر اشخاص کاهش می‌یابد که ممکن است مانع توسعه سیستم نمایندگی سیاسی کارا شود (اثر مالیات). به بیان دیگر، به دلیل عدم وابستگی درآمدهای دولت به مالیات شهروندان، پاسخگویی و شفافیت دولت کمتر می‌شود که به نوبه خود فشار و تقاضا را برای بهبود کیفیت نهادها کاهش خواهد داد. **دوم**، دولت‌ها امکان می‌یابند از درآمدهای حاصل از منابع طبیعی برای کاهش مخالفت در میان شهروندان استفاده کنند؛ برای نمونه می‌توان به هزینه‌های حمایتی برخی دولت‌ها اشاره کرد (اثر مخارج). این هزینه‌ها به احتمال زیاد برای تعدیل یا سرکوب فشار پنهان ایجاد مردم سالاری از سوی شهروندان صرف می‌شود. با وجود این، افزایش هزینه‌های حمایتی می‌تواند فعالیت‌های رانت‌جویی و فساد میان مردم را شتاب ببخشد؛ به طوری که کارآفرینان تلاش می‌کنند به جای تمرکز مستقیم بر فعالیت‌های تولیدی، رانت‌های مربوط به منابع طبیعی (سهامیه‌ها، پروانه‌ها و امتیازات) را به دست آورند؛ از همین رو رقابت سخت پدید آمده برای کسب رانت‌های منابع طبیعی، فرصت‌های فراوانی برای فساد سیاسی و اقتصادی به وجود می‌آورد. اثر **سوم** مربوط به دولت است که با استفاده از درآمدهای ارزی ناشی از فروش منابع طبیعی از تشکیل گروه‌های اجتماعی با منافع خاص جلوگیری

1. M. Ross
2. Rentier effect

می‌کند (اثر تشکیل گروه^۱). از آنجا که این گروه‌های مستقل می‌توانند طرفداران حقوق سیاسی شهروندان باشند، پرداخت وجوه به آنها از سوی حکومت می‌تواند فشار کمتری برای افزایش این حقوق یا بهبود پاسخگویی دولت ایجاد کند (راس، 2001).

به جز اثرات، دو مکانیسم علّیتی دیگر بین منابع طبیعی و پیامدهای نهادی و سیاسی در ادبیات اقتصاد سیاسی وجود دارد. نخست «اثر سرکوب^۲» مربوط به ثروت طبیعی است. زیرا با منابع طبیعی فراوان، دولت می‌تواند منابع مالی مورد نیاز برای فرونشاندن تقاضای تغییر در نظام سیاسی یا به طور کلی تغییر عملکرد دولت را تأمین کند. کلارک^۳ (۱۹۹۷) بیان می‌کند دولت‌های ثروتمند از نظر منابع، با استفاده از هزینه‌های بیشتر در امنیت داخلی، می‌توانند از آرمان‌های موجود در میان شهروندان برای نیل به مردم‌سالاری بیشتر یا نهادها و خدمات دولتی بهتر جلوگیری کنند. در این زمینه نیز برخی اشاره می‌کنند فوران درآمدهای فروش ثروت ملی، ارزش به قدرت رسیدن و حفظ قدرت را در بین دولت‌مردان افزایش می‌دهد و شرایطی را فراهم می‌آورد که سیاست‌مداران بتوانند به آسانی با این درآمدهای سرشار بر پیامدهای انتخاباتی تأثیر بگذارند و اقدام به خرید رأی کنند (ویسنه، ۲۰۱۰، رایبسون و همکاران، ۲۰۰۶).

در مکانیسم دوم، اوتی (۲۰۰۱) و راس (۲۰۰۱) اعتقاد دارند از آنجا که مدیران صنایع بزرگ به واسطه حفظ منافع اقتصادی بنگاه خود و توانایی نفوذ در لایه‌های قدرت، خواهان مشارکت در تصمیم‌سازی‌های اقتصادی و سیاسی کشور هستند، دولت‌های منابع‌محور ممکن است نوسازی ساختار کلان اقتصاد را به تأخیر بیندازند؛ برای مثال اگر عمداً بخش صنعت کشور کوچک نگه داشته شود، به احتمال زیاد سازمان‌های کارگری تأسیس نخواهد شد یا بسیار کوچک خواهد بود و بنابراین تقاضای اصلاحات سیاسی، اثربخشی کمتری خواهد داشت.

1. Group formation effect
2. Repression effect
3. J. Clark

در سال‌های اخیر اقتصاددانان ادعا می‌کنند مکانیسم و دامنه اثرگذاری بلای منابع تنها منحصر به عملکرد اقتصادی نمی‌شود، بلکه کشورهای سرشار از منابع طبیعی به طور نسبی تمایل دارند عملکرد بدتری در شاخص رفاه انسانی از جمله امید به زندگی، آموزش، نرخ مرگ‌ومیر کودکان و دیگر شاخص‌های توسعه انسانی به نمایش گذارند (راس، ۲۰۰۱؛ بولت و همکاران، ۲۰۰۵). در مجموع به نظر می‌رسد تنظیمات نهادی و کیفیت حکمرانی در کشورهای سرشار از منابع، نسبت به کشورهای تهي از منابع پیچیده‌تر است و درآمدهای ناشی از صادرات منابع طبیعی دام‌های بسیاری در مسیر توسعه این کشورها گسترانیده است.

۳. پیشینه پژوهش

به طور کلی مطالعات تجربی درباره مدل‌سازی الگوهای اقتصادسیاسی مبتنی بر نظام بازار را می‌توان به دو شاخه اصلی تقسیم کرد: شاخه نخست اثر وفور منابع طبیعی بر نهادهای مشارکتی و مردم‌سالاری را بررسی می‌کند و شاخه دوم، همبستگی و ارتباط بین وفور منابع و مبارزه با فساد و پدیده رانت‌جویی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

راس (۲۰۰۱) با یک پانل ۱۱۳ کشوری طی دوره ۱۹۷۱-۱۹۹۷ نشان می‌دهد منابع طبیعی به شکل ثروت نفت و مواد معدنی همبستگی منفی با اقدامات مردم‌سالاری دارد. وی همچنین به صورت تجربی درمی‌یابد سه مکانیسم اثر رانتی، اثر سرکوب و اثر تشکیل گروه از پیوند میان نفت و دولت‌های اقتدارگرا پشتیبانی می‌کند. بارو (۱۹۹۹)، اسلکسن^۱ (۲۰۱۰) و تی‌سویی^۲ (۲۰۱۱) با استفاده از سنج‌ها، نمونه‌ها و تکنیک‌های اقتصادسنجی گوناگون نتایج مطالعه راس را مورد تأیید قرار می‌دهند. راس (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای دیگر نتیجه می‌گیرد ثروت نفت در کشورهای استبدادی به شدت مانع گذار به مردم‌سالاری می‌شود. با اینحال وی تصدیق می‌کند اثرات ضدموکرآتیک نفت در طول زمان و در مناطق مختلف بسیار متفاوت است. او نشان می‌دهد دولت‌های اقتدارگرا ممکن است در طول زمان عملکرد اقتصادی نسبتاً خوبی به نمایش گذارند، اما در برخی مناطق خاص مانند آمریکای لاتین به

1. S. Aslaksen
2. K. Tsui

دلیل ضعف‌های نهادی نمی‌توان این عملکرد را به طور باثبات نگهداری کرد. شاخه‌دوم از مطالعات تجربی به بررسی تأثیر منابع طبیعی بر شاخص‌های حکمرانی، مانند فساد و تأمین قضایی می‌پردازد؛ برای مثال آدز و دی‌تلا^۱ (۱۹۹۹)، تریسمن^۲ (۲۰۰۰) گوئل و کارونین^۳ (۲۰۰۹) با تأکید بر نقش منابع طبیعی به صورت تجربی و نظری، عوامل تعیین‌کننده فساد را مورد بررسی قرار می‌دهند. آنها با استفاده از داده‌های مقطعی برای دهه ۱۹۸۰ یک رابطه نزدیک میان صادرات منابع طبیعی و سطح فساد را تأیید کردند، اما شواهد قابل قبولی برای این ارتباط در مطالعه مقطعی و پانل دیتای دهه ۱۹۹۰ ارائه ندادند. همچنین سرا^۴ (۲۰۰۶) با استفاده از تجزیه و تحلیل کرانه‌ای و داده‌های دهه ۱۹۹۰ نتیجه می‌گیرد هیچ‌گونه ارتباط نزدیکی میان صادرات منابع طبیعی و فساد نمی‌تواند برقرار باشد. لی‌آیت و ویدمن^۵ (۲۰۰۲) با داده‌های مقطعی طی دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و با استفاده از رویکرد متغیرهای ابزاری، دریافتند صادرات سوخت و سنگ معدن به افزایش فساد منتهی می‌شود. البته این یافته‌ها مخالف نتایج گزارش شده از سوی آدز و دی‌تلا، تریسمن و سرا در دهه ۱۹۹۰ است.

سالا-آ-مارتین و سوبرامانیا^۶ (۲۰۰۳) با استفاده از رویکرد متغیر ابزاری و داده‌های مقطعی - بخشی دریافتند صادرات سوخت و مواد معدنی بر شاخص‌های حکمرانی مانند فساد، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت و ثبات سیاسی تأثیر منفی داشته است. باس و گرونیگ^۷ (۲۰۱۱) با استفاده از رویکرد پانل برای ۱۲۹ کشور به همین نتیجه می‌رسند. ایشام و همکاران^۸ (۲۰۰۵) بین منطقه جغرافیایی^۷ استخراج منابع (که با هزینه‌های نسبتاً پایین می‌تواند توسط دولت کنترل شود) و همچنین انتشار^۸ منابع در یک منطقه جغرافیایی گسترده‌تر (که کمتر توسط دولت کنترل می‌شود مانند مواد غذایی و محصولات

-
1. A. Ades and R. Di Tella
 2. D. Treisman
 3. R. K. Goel and I. Korhonen
 4. D. Serra
 5. C. Leite and J. Weidmann
 6. X. Sala-i-Martin and A. Subramanian
 7. Point
 8. Diffuse

کشاورزی)، تمایز قائل می‌شوند. آنها به وسیله تحلیل رگرسیون مقطعی نشان می‌دهند مرکز منابع با شاخص‌های حکمرانی همچون حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، فساد و چارچوب نظارتی همبستگی منفی دارند. همچنین بالت و همکاران (۲۰۰۵) با رویکرد روش‌شناسی مشابه، تأثیر منفی مرکز منابع را بر تأمین قضایی (حاکمیت قانون) و اثربخشی دولت را تصدیق می‌کنند.

بی‌هات‌اچاریا و هودلر^۱ (۲۰۱۰) استدلال می‌کنند منابع طبیعی تنها در نظام‌های غیردموکراتیک می‌تواند سطوح فساد را بدتر کند، ولی چگونگی و اندازه این تأثیر به کیفیت نهادهای دموکراتیک بستگی دارد. با اینحال، با ورود متغیرهای مجازی مربوط به ناهمگنی ساختار حکومتی کشورها^۲ نتایج برقرار نشد، اما در رگرسیون روش اثرات تصادفی، کماکان ارتباط منفی و معنادار بین منابع طبیعی و فساد پابرجا و مستحکم بود. اسلکسن (۲۰۰۹) نیز بر وجود ارتباط بین استخراج و درآمد نفت خام و مواد معدنی با فساد بیشتر تأکید می‌ورزد. اسلکسن بر تأثیر نامطلوب نفت بر فساد در هر دو گروه کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک را اذعان می‌کند. ویسنته (۲۰۱۰) نیز شواهدی فراهم می‌آورد که نشان می‌دهد اکتشافات نفت منجر به گسترش بیشتر فساد در ارائه طیف گسترده‌ای از خدمات عمومی همچون خدمات بهداشتی، انتخابات رقابتی، پرداخت تسهیلات یا آموزش همگانی به شهروندان و به طور کلی تخصیص بهینه منابع منتهی می‌شود.

در مقابل، برونشویلر و بویلت^۳ (۲۰۰۸) و برونشویلر^۴ (۲۰۰۸) این دیدگاه را که فراوانی منابع طبیعی موجب بدتر شدن کیفیت نهادها (و در نتیجه، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی) می‌شود به چالش کشیدند. آنها استدلال می‌کنند علیت راه دیگری می‌پیماید، به طوری که نهادهای بد (حکمرانی ضعیف) با عملکرد بالای شاخص منابع طبیعی (مثلاً نسبت صادرات

1. S. Bhattacharyya and R. Hodler

۲. روش اثرات ثابت (Fixed effects)

3. C. Brunnschweiler and E. Bulte

4. C. Brunnschweiler

منابع طبیعی به تولید ناخالص داخلی) در ارتباط است. آنها معتقدند شاخص نسبت صادرات منابع طبیعی به GDP باید به عنوان یک جایگزین برای وابستگی به منابع و نه وفور منابع تفسیر شود. آنها کل دارایی‌های منابع طبیعی از جمله سرمایه و ذخایر کشف شده نفتی و کانی را ثروت و وفور منابع طبیعی در نظر می‌گیرند و معتقدند این شاخص با شاخص‌های حکمرانی، مانند حاکمیت قانون، فساد و اثربخشی دولت همبستگی مثبت دارد.

۴. الگوی اقتصادسنجی، داده‌ها و روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع تحلیل آماری و علی مقایسه‌ای است. در این مطالعه شاخص‌های حکمرانی به عنوان متغیر وابسته و جایگزینی برای توسعه نهادی در دو گروه کشورهای برگزیده نفتی و توسعه یافته، تابعی از صادرات سوخت به ویژه نفت خام و دیگر کانی‌ها به عنوان متغیر جایگزین وفور منابع طبیعی و دیگر متغیرهای کنترل قرار می‌گیرد. به پیروی از مباحث نظری و تجربی تصریح اقتصادسنجی معادله بالای منابع به صورت رابطه (۱) خواهد بود که در آن تمامی متغیرها به صورت لگاریتمی لحاظ شده‌اند:

$$GGI_{it} = \alpha_i + \beta_1 GGI_{it-1} + \beta_2 FuelEX_{it} + \gamma' X_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در حقیقت فرم تبعی معادله:

$$GGI_{it} = f(GGI_{it-1}, FuelEX_{it}, GDP \text{ per capita}_{it}, Pop_{it}, Free_{it}, OthEX_{it})$$

بطوریکه GGI_{it} چهار شاخص حکمرانی (GG_{it} , RQ_{it} , RL_{it} , CC_{it}) را برای کشور i و دوره زمانی t نشان می‌دهد، α_i اثرات ثابت کشور یا همان عرض از مبدأهای ویژه هر مقطع است، X_{it} ماتریس متغیرهای کلان و نهادی کنترل (از جمله درآمد سرانه، اندازه کشور و غیره) و سرانجام ε_{it} به جمله اختلال و پسماندها اشاره دارد.

با توجه به اینکه آمار شاخص‌های حکمرانی پس از سال ۱۹۹۶ از سوی بانک جهانی تولید و منتشر می‌شوند، دوره زمانی مطالعه، محدود به ۱۹۹۶-۲۰۱۱ است.^۱ با توجه به

۱. گسترده‌گی تعریف نهادهای حکمرانی، بانک جهانی را بر آن داشت تا حکمرانی را به شش شاخص تقسیم کند که عبارتند از: (۱) شفافیت و پاسخگویی دولت، (۲) ثبات سیاسی به دور از خشونت، (۳) اثربخشی دولت در خدمات عمومی، (۴) کیفیت مقررات و تنظیم‌گری دقیق، (۵) تأمین قضایی و پشتیبانی از حقوق دارایی‌ها و سرانجام (۶) کنترل فساد و پی‌گیری منافع جمعی. بانک اطلاعات

هم‌پوشانی بسیار زیاد و همبستگی بالای شاخص‌های حکمرانی با همدیگر (کافمن و کرای، ۲۰۰۹) در اینجا علاوه بر پایداری به بررسی همه‌زوایای حکمرانی و ایجاز در سخن، تنها از چهار شاخص زیر به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است:

شاخص کل حکمرانی (GG): میانگین ساده شش شاخص حکمرانی منطبق با تعریف بانک جهانی است که وضعیت کلی حکمرانی را در هر جامعه را ترسیم می‌کند. براساس مفاهیم نظری اقتصاد سیاسی به احتمال فراوان دولت‌هایی که وابستگی شدیدی به درآمدهای ناشی از فروش منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز دارند (دولت‌های رانتیر) در برابر اقدامات و فعالیت‌های خود پاسخگویی کمتری به شهروندان‌شان خواهند داشت. بنابراین در این پژوهش برای شناسایی تعیین‌کننده‌های مردم‌سالاری، از این شاخص کلی استفاده شده است. وضعیت شاخص حکمرانی در ایران وضعیت چندان مناسبی ندارد و همواره زیر صفر بوده است. این شاخص از حدود ۱/۰۸- در سال ۱۹۹۶ اندکی بهبود یافت و به ۰/۶۸- در سال ۲۰۰۰ رسید، اما پس از آن دوباره وضعیت این شاخص ضعیف‌تر شد و به حدود ۱/۲- در سال ۲۰۱۰ و ۱/۱۶- در سال ۲۰۱۱ رسیده است. باید یادآور شد عملکرد حکمرانی ایران به همراه لیبی و نیجریه پایین‌تر از متوسط حکمرانی کشورهای نفتی مورد بررسی قرار دارد که ضرورت توجه بیشتر به بهبود حکمرانی در کشور و همچنین این گروه را نمایان می‌کند.

کیفیت مقررات (RQ): توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی شفاف و دوستدار بازار را می‌سنجد. شاخص RQ استحکام و کیفیت بوروکراسی را می‌سنجد که می‌تواند همانند کمینه‌کننده و تکانه‌گیر شوک‌ها و چرخش‌های سیاستی دولت‌ها در اقتصاد عمل کند و موجب افزایش اعتماد مردم و سرمایه‌گذاران به نظام حاکم شود (موسسه توسعه خارجی^۱، ۲۰۰۶). به نظر می‌رسد این موضوع در کشورهای نفت خیز که درآمدهای مالیاتی دولت نسبت به درآمدهای نفتی اندک است، بیشتر قابل ملاحظه

شاخص‌های حکمرانی در www.govindicators.com قابل دستیابی است. هر شاخص تقریباً بین ۳- تا ۳+ برآورد می‌شود که اعداد بزرگ‌تر نشان‌دهنده پیامدهای بهتر حکمرانی است (برای مطالعه بیشتر کافمن و کرای (۲۰۰۹) را ببینید).

1. Overseas Development Institute

باشد.

تأمین قضایی (RL): این شاخص بر بی طرفی سیستم قضایی و دادگاه‌ها، ضمانت اجرای قراردادهای و پشتیبانی از حقوق دارایی‌های فیزیکی و معنوی دلالت دارد (کافمن و کرای^۱، ۲۰۱۱). به احتمال فراوان کاستی در نظام قضایی خواه ناشی از عدم پذیرش حاکمیت از سوی مردم و خواه وفور منابع یا هر علت دیگری باشد، از طریق کاهش انگیزه‌های مولد سرمایه‌گذاری و فعالیت نوآورانه و خلاقانه، رشد و توسعه بلندمدت اقتصادی را به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد (ODI_{۲۰۰۶}).

کنترل فساد (CC): این شاخص بر مبارزه با کاربرد قدرت عمومی و سیاست‌گذاری برای دستیابی به منافع شخصی برخی گروه‌های دارای نفوذ و نخبگان سیاسی اشاره دارد (کافمن و کرای، ۲۰۰۹). سطح فساد به وسیله کاستی‌های سیستم سیاسی مشخص می‌شود و فساد مالی (برای مثال درخواست‌ها برای پرداختی‌های ویژه و رشوه‌های مرتبط با پروانه‌های صادرات و واردات، محدودیت‌های ارزی برای شهروندان داخلی یا ارزیابی مالیاتی)، پشتیبانی بیش از حد از منافع گروه‌های صاحب‌نفوذ، انتصاب‌های خویشاوندی و عدم شایسته‌سالاری یا گروه‌های تأمین مالی پنهانی و غیره را در برمی‌گیرد (گوئل و کارهونن^۲، ۲۰۰۹) که همگی پیامدهای زیانبار بسیاری برای رونق اقتصاد در بلندمدت به همراه دارد.

اکنون به معرفی تعیین‌کننده‌های حکمرانی به عنوان کلیدی‌ترین عنصر توسعه و بررسی پدیده‌ی بلای منابع طبیعی می‌پردازیم. عوامل موثر بر نهادهای حکمرانی به شرح زیر هستند:

۱- سهم صادرات سوخت و کانی‌ها به کل صادرات کالا (FuelEx): این متغیر، جایگزینی برای نشان دادن وفور منابع طبیعی در کشورهای مورد بررسی است. اثر مالیاتی صادرات منابع مهمترین مجرای انحراف شاخص‌های حکمرانی و کاهش پاسخگویی دولت به مردم و پیدایش حکومت‌های اقتدارگراست. اقتصاددانان به صورت گسترده از این اثر به نام پدیده‌ی بلای منابع طبیعی یاد می‌کنند. در مطالعات متعدد، از متغیرهای گوناگونی همچون درآمدهای نفتی (مهرآرا و کیخا^{۱۳۸۷})، سهم صادرات منابع به GDP

1. Kaufmann & Kraay

2. Goel & Korhonen

(برونشویلیر و بولت، ۲۰۰۸)، ارزش واقعی سرانه تولید نفت (کاوالکانتی و همکاران^۱، ۲۰۱۱)، ذخیره ثروت منابع طبیعی و غیره برای نشان دادن وفور منابع استفاده شده است. با اینحال چون در دهه‌های اخیر تأمین انرژی در بازارهای جهانی انرژی اهمیت بسیار زیادی یافته است و از یکسو عرضه کنندگان منابع به دنبال افزایش سهم بازاری و درآمد خود و از سوی دیگر تقاضا کنندگان به دنبال یافتن جایگزین‌های ارزان‌تر هستند، در این مطالعه از متغیر صادرات سوخت و مواد کانی به عنوان وفور منابع و سهم بازاری کشورها در بازارهای جهانی استفاده شده است.

۲- درآمد سرانه واقعی (GDP per capita): مطالعات بسیاری تأیید می‌کنند این متغیر نقش بسزایی در بهبود حکمرانی دارد؛ به طوری که کشورهایی با درآمد و استاندارد زندگی بالاتر ترجیحات قویتری برای توسعه نهادی و شاخص‌های حکمرانی بهتری دارند. به بیان دیگر، کشورهای پیشرفته صنعتی منابع مالی بیشتری برای بهبود مقررات دولتی، مردم‌سالاری و یا مبارزه با فساد دارند. بنابراین انتظار می‌رود اثر آن بر حکمرانی مثبت باشد (کافمن و کرای، ۲۰۰۳).

۳- جمعیت (Pop): در کشورهای بزرگ‌تر از یکسو، دولت‌ها فشار بیشتری را برای ایجاد اصلاحات نهادی لازم متحمل می‌شوند و حتی ممکن است بتوانند منابع مالی بیشتری را در مسیر اصلاحات مورد نظر جامعه تجهیز کنند؛ اما از سوی دیگر، کشورهای بزرگ‌تر با مشکلات بیشتری همچون مشکلات عدم تقارن اطلاعات، هزینه‌های مبادلاتی بالا یا تضادهای نژادی بسیار شدید روبه‌رو هستند که ممکن است از بهبود حکمرانی پیشگیری کند (ناک و آذفر^۲، ۲۰۰۳). با وجود این به دلیل بزرگ‌تر بودن اثر نخست، انتظار می‌رود اثر جمعیت بر وضعیت حکمرانی مثبت باشد.

۴- آزادی‌های مدنی (Free): این شاخص بین ۱ (بیشترین آزادی) تا ۷ (کمترین آزادی) قرار دارد و «آزادی توسعه آرا و عقاید، نهادها و استقلال شخصی بدون هیچ‌گونه دخالتی از سوی دولت» را دربر می‌گیرد که پس از سال ۱۹۷۸ هر ساله توسط مؤسسه

1. T. Cavalcanti and et al

2. Knack and Azfar

آزادی^۱ تولید می‌شود. انتظار می‌رود گسترش آزادی‌های مدنی به نتایج بهتر حکمرانی منتهی شود؛ زیرا اطلاعات به صورت آسان‌تر در دسترس مردم قرار می‌گیرد. برخی نیز معتقدند مشارکت نهادهای مدنی می‌تواند مانند سیستم کنترل و بازرسی روی فعالیت‌ها و سیاست‌های دولت‌ها اقدام کند (برونتی و ودر^۲، ۲۰۰۳).

۵- سهم صادرات سایر کالاها و خدمات (به جز منابع طبیعی) به کل صادرات (OthEX): به سه دلیل می‌توان انتظار داشت این متغیر با حکمرانی همبستگی مثبت داشته باشد: اول) عوامل اقتصادی در اقتصادهای باز ممکن است به وسیله تطبیق نهادها و مقررات موفق از تجربه شرکای تجاریشان درس بیاموزند. دوم) رقابت بین‌المللی ممکن است کشورها را مجبور به بهبود ترتیبات قانونی و نهادی کند به گونه‌ای که تولیدکنندگان داخلی بتوانند با کمترین هزینه‌های پولی و زمانی در فضای کسب و کار موجود فعالیت کنند. سوم) رانت‌جویی و فساد ممکن است در اقتصادهای باز سخت‌تر باشد، زیرا شرکت‌های خارجی و فراملیتی تعداد عوامل اقتصادی درگیر فعالیت را افزایش می‌دهند (آدز و دی‌تلا^۳، ۱۹۹۹ و ردریک و همکاران^۴، ۲۰۰۴).

به دلیل محدودیت دوره زمانی، این پژوهش یک مطالعه بین‌کشوری است؛ از همین رو روش پانل دیتا تکنیک آماری مطلوب خواهد بود. چگونگی انتخاب کشورهای نفتی بر این اساس است که نسبت سهم صادرات سوخت به کل صادرات هر کشور کمتر از ۵۰ درصد نباشد. همچنین گروه کشورهای توسعه یافته به عنوان یک گروه کنترل مناسب با منابع طبیعی و عملکرد خوب برگزیده شده‌اند تا امکان مقایسه یافته‌ها بین دو گروه فراهم شود. علاوه بر این، دانش اقتصادسیاسی امروز آشکارا بر تأثیر و تأثر متغیرهای توسعه اقتصادی و سیاسی بر همدیگر صحنه می‌گذارد و در نتیجه پویایی مدل، پذیرش درون‌زایی متغیرهای توضیحی را گریزناپذیر می‌سازد؛ و از این رو برای دستیابی به نتایج قابل اتکا می‌باید از رویکرد متغیرهای ابزاری بهره جست. بر این اساس، این مطالعه بر آوردگر پویای

-
1. Freedom House
 2. Brunetti and Weder
 3. Ades and Di Tella
 4. Rodrik et al.

روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) را که توسط بلوندل و بوند^۲ (۱۹۹۸) پیشنهاد شده است، به کار می‌برد. برآوردگر روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) دارای ویژگی‌های مجانبی مطلوب است که در سال‌های اخیر به صورت گسترده در پژوهش‌های اقتصاد خرد و کلان مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۳ در این پژوهش برآوردگر دو مرحله‌ای سیستم GMM و تصحیح نمونه محدود ویندمیر^۴ (۲۰۰۵) استفاده می‌شود.^۵

۵. برآورد و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

با توجه به اینکه دوره زمانی مورد مطالعه (۱۹۹۶-۲۰۱۱) تقریباً کوتاه و حدود ۱۵ سال است، امکان واگرایی در روند هر یک از متغیرها وجود ندارد. بنابراین انجام آزمون‌های ریشه واحد برای بررسی مانایی متغیرها ضرورت نمی‌یابد. اکنون به تجزیه و تحلیل و تفسیر مهم‌ترین یافته‌های اقتصادسنجی می‌پردازیم.

به طور کلی یافته‌های جدول ۱ بیانگر آن است که در گروه کشورهای عمده صادرکننده نفت، اثر صادرات منابع طبیعی بر شاخص‌های حکمرانی و توسعه نهادی منفی و به لحاظ آماری معنادار است که منطبق بر یافته‌های ساللا-آی-مارتین و سوبرامانیان^۶ (۲۰۰۳) و تورویک (۲۰۰۲) است. در واقع یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که یک وابستگی و ارتباط منفی بین وفور و صادرات منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز و شاخص‌های نهادی کیفیت مقررات، سطح مردم‌سالاری و پاسخگویی دولت، ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی، شاخص کنترل فساد و تأمین قضایی و سیستم دادگستری عادلانه در کشورهای عمده نفتی مورد بررسی وجود دارد و هرچه اقتصاد این کشورها بیشتر به فروش منابع طبیعی به ویژه نفت خام وابسته شود، به ترتیب نتایج ذیل را به دنبال خواهد داشت.

1. DPD/System-GMM (Generalized Moment of Method)

2. R. Blundell and S. Bond

۱. برای مطالعه بیشتر درباره برآوردگر GMM و مدل‌های پانل پویا، کتاب جانستون و دیناردو (۱۹۹۷) فصل ۱۰ و بالتاجی (۲۰۰۵) صفحات ۱۳۵-۱۶۴ را ببینید.

4. Windmeijer

۷. این برآوردگر به وسیله کاربرد سطوح باوقفه و تفاضل‌های تأخیری (وقفه‌دار) متغیرهای وابسته و توضیحی به عنوان ابزارهایی برای متغیرهای درونزا با علیت معکوس سر و کار دارد.

6. Sala-i-Martin and A. Subramanian

* هماهنگی و توازن برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری محدودتر شده، و اندک اندک زمینه بروز پدیده بیماری هلندی و افزایش ارزش پول ملی و کاهش قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد ملی را فراهم می‌کند.

* از گسترش مشارکت شهروندان، مردم‌سالاری، انجمن‌های مردم‌نهاد، آزادی‌های مدنی و آزادی بیان جلوگیری می‌شود؛ زیرا از یکسو درآمدهای دولت به مالیات‌ها وابسته نیست و از همین رو نیازی به پاسخگویی در برابر چگونگی هزینه‌کرد آنها احساس نمی‌شود (اثر مالیات) و از سوی دیگر، بخشی از درآمدهای ناشی از فروش ثروت منابع طبیعی به ویژه نفت برای کنترل موج دموکراسی‌خواهی، کاهش فشار اصلاحات سیاسی و سرکوب احزاب منتقد عملکرد دولت‌ها هزینه خواهد شد (اثر سرکوب و تشکیل گروه)؛

* گروه‌های دارای نفوذ سیاسی، سیاستمداران و کارآفرینان به دنبال دستیابی به فرصت‌های رانت منابع طبیعی خواهند بود و رقابت به وجود آمده برای رانت‌جویی در بین مردم منتهی به برون‌رانی^۱ فعالیت‌های مولد و گسترش فساد اداری، رشوه‌خواری و اختلاس در جامعه خواهد شد. بنابراین صادرات سوخت‌های فسیلی و مواد کانی به ویژه نفت و گاز موجب افزایش فساد می‌شود (گوئل و کارهونن، ۲۰۰۹)؛

* به دلیل گسترش رقابت در رانت‌جویی و رواج فساد اداری و ناکارایی دستگاه قضایی در پشتیبانی از حقوق مالکیت دارایی‌ها، هزینه‌های مبادلاتی در جامعه افزایش می‌یابد و فضای کسب و کار و سیستم تأمین قضایی کشور آسیب‌پذیر خواهد شد.

1. Crowding out

جدول ۱. برآورد معادلات رگرسیونی اثر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی (دوره: ۱۹۹۶-۲۰۱۱)

OECD کشور برگزیده عضو سازمان				۱۶ کشور برگزیده عضو سازمان OPEC و خاورمیانه				متغیرهای مستقل
متغیرهای وابسته								
LogCC	LogRL	LogRQ	LogGG	LogCC	LogRL	LogRQ	LogGG	
-۰/۰۱۵	۰/۰۰۰۹°	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۴***	-۰/۰۰۲***	-۰/۰۰۲	-۰/۰۱۱°	سهم صادرات سایر کالاها و خدمات (به جز منابع طبیعی) (LogNREx)
(-۱/۵)	(۱۱/۱)	(-۱/۵۸)	(-۱/۶)	(-۱/۹)	(-۱/۸۸)	(-۱/۷۲)	(-۲/۸)	به کل صادرات
۰/۰۰۹	۰/۰۰۲°	۰/۱۰۳°	۰/۰۶°	۰/۰۳۲	۰/۰۰۳***	۰/۲۱°	۰/۰۷۷°	درآمد سرانه واقعی (LogGDPPC)
(۱/۳۷)	(۵/۷)	(۹/۲)	(۷/۰۹)	(۱/۶)	(۱/۹۳)	(۳/۱)	(۵/۲)	
۰/۱۷۱°	-۰/۰۲۳°	۰/۲۱	۰/۱۹°	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰۱	۰/۲۵°	۰/۱۲°	جمعیت (LogPoP)
(۳/۹)	(-۷/۵)	(۲/۹)	(۳/۸۸)	(۰/۸۵)	(۱/۱۵)	(۴/۷)	(۷/۲)	
-۰/۰۰۷°	-۰/۰۰۰۷°	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۸°	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۵°	-۰/۰۰۹°	-۰/۰۰۶°	آزادی‌های مدنی (Free)
(-۳/۵)	(-۱/۰/۴)	(-۰/۸۹)	(-۳/۵)	(-۰/۲۴)	(۳/۸)	(-۳/۹)	(-۵/۷)	
-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۱***	۰/۰۳°	۰/۰۳***	-۰/۰۰۲°	-۰/۰۰۰۴°	-۰/۰۱۳°	-۰/۰۰۸°	سهم صادرات سایر کالاها و خدمات (به جز منابع طبیعی) به کل صادرات (LogOthEx)
(-۰/۱۶)	(۱/۸۱)	(۳/۵)	(۱/۷۹)	(-۱/۹۹)	(-۲/۹)	(-۶/۲)	(-۷/۱)	
			۰/۰۳***				۰/۳°	شاخص کل حکمرانی LogGG(-1)
			(۱/۹۱)				(۱۳/۲)	
		۰/۰۸۸°				۰/۱۸°		شاخص کیفیت مقررات LogRQ(-1)
		(۳/۱)				(۵/۱)		
	-۰/۰۳				۰/۲۲°			شاخص تأمین قضایی LogRL(-1)
	(-۱/۲۸)				(۹/۱)			
۰/۰۸°				۰/۳۹°				شاخص کنترل فساد LogCC(-1)
(۷/۱)				(۱۰/۲)				
--				-۰/۱۷°				LogCC(-2)
				(-۳/۸)				
۱۳۰	۱۱۶	۱۳۸	۱۳۲/۴	۱۴۲	۱۲۸	۱۳۲/۰	۱۳۶/۱	آزمون فراشناسایی سارجن: [p-value] J-Statistic
[۰/۳۴]	[۰/۴۴]	[۰/۱۹۷]	[۰/۳۳]	[۰/۱۴۸]	[۰/۲۳]	[۰/۳۶]	[۰/۲۴]	
۰/۵۳	۰/۵۷	۰/۱۲	۰/۳۷	۰/۲۵	۰/۱۹۳	۰/۱۵۴	۰/۶۷	آماره آرلانو-بوند [p-value] AB2
۲۱۲	۲۱۲	۲۱۲	۲۱۲	۲۰۸	۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	تعداد مشاهدات
۱۴۲	۱۲۰	۱۴۴	۱۴۲	۱۴۶	۱۳۸	۱۴۹	۱۴۹	تعداد ابزارها

منبع: یافته‌های پژوهش.

نشانه‌های **، * و *** به ترتیب سطوح معناداری ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ نشان می‌دهند. متغیرهای مجازی مقاطع در مدل

وجود دارد اما گزارش نشده‌اند.

اعداد داخل پرانتز آماره توزیع t-student و اعداد داخل کروشه ارزش احتمال [p-value] را نشان می‌دهد.

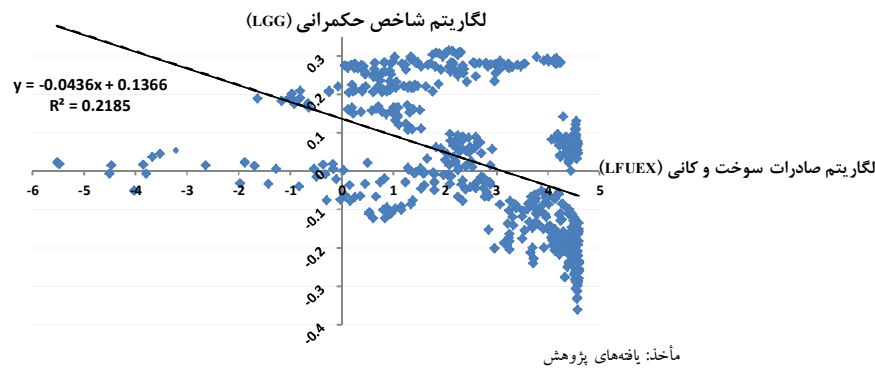
در جدول ۱ مشاهده می‌شود اثر نسبت سهم صادرات سوخت و کانی‌ها به کل صادرات بر شاخص کل حکمرانی (GG) و کیفیت مقررات (RQ) کشورهای عضو OECD منفی و بی‌معنا، بر شاخص کنترل فساد (CC) منفی و معنادار و سرانجام بر شاخص تأمین قضایی (RL) مثبت و معنادار است. به همین سبب به نظر می‌رسد نتوان با اطمینان نسبت به اثر وفور منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز بر شاخص‌های حکمرانی این گروه اظهار نظر کرد. با این حال برخی مطالعات تصدیق می‌کنند پدیده‌ی بالای منابع طبیعی تنها به کشورهای رو به توسعه اختصاص ندارد و در صورت برنامه‌ریزی نادرست برای این درآمدها، حتی می‌تواند در کشورهای صنعتی نیز نوسان و ریسک‌های نهادی به دنبال داشته باشد (باس و گرونینگ^۱، ۲۰۱۱؛ سالا-آی مارتین و سویرامانین^۲، ۲۰۰۳). با توجه به اینکه نگرش کشورهای توسعه یافته به درآمدهای ناشی از صادرات منابع طبیعی فرانسوی است و ثروت ملی قلمداد می‌شود، بخش عمده‌ای از این درآمدها صرف فعالیت‌های نوآورانه و خلاقانه و سرمایه‌گذاری‌های علمی و اقتصادی می‌شود. به نظر می‌رسد همبستگی مثبت صادرات منابع طبیعی و شاخص امنیت قضایی در گروه توسعه یافته گواه آشکاری برای تضمین و اطمینان از حقوق مالکیت دارایی‌ها و به ثمر رسیدن فعالیت‌های نوآورانه باشد. از سوی دیگر، کشورهای صنعتی مورد بررسی پس از شوک‌های نفتی اول (۱۹۷۹) و دوم (۱۹۸۳) با هدف کاهش وابستگی به انرژی‌های تجدیدناپذیر، به سمت توسعه فناوری‌های نوین و انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله انرژی هسته‌ای حرکت کردند و با توسعه ساختارهای نهادی جامعه و تزریق منابع ارزی ناشی از منابع، زمینه گسترش حقوق مالکیت دارایی‌ها را ایجاد کردند.

در نمودار ۱ رابطه خطی بین شاخص کل حکمرانی و صادرات منابع در نمونه‌ای متشکل از هر دو گروه، همبستگی منفی بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. بر اساس نمودار

1. Busse & Gröning
2. Sala-i-Martin and Subramanian

زیر، حساسیت (کشش^۱) شاخص کل حکمرانی نسبت به یک درصد تغییر در صادرات سوخت تقریباً حدود ۰/۰۴- درصد است. از همین رو به نظر می‌رسد چنانچه کشورهای صادرکننده نفت مورد بررسی، توسعه اقتصادی خود را بر پایه درآمدهای ارزی ناشی از فروش منابع طبیعی پی‌ریزی کنند، در صورت عدم توجه ویژه به بهبود کیفیت نهادهای سیاسی-اقتصادی، گرفتاری به بلای منابع طبیعی دور از انتظار نخواهد بود. نکته اساسی این که افزایش‌ها و نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی که نوسان درآمدهای ارزی این گروه از کشورها را فراهم می‌آورد، می‌تواند موجب تسریع در بروز نشانه‌های این بلا شود

نمودار ۱. بررسی رابطه خطی شاخص حکمرانی و وفور منابع طبیعی



ضریب متغیر درآمد سرانه بیانگر آن است که افزایش درآمد مردم در کشورهای رو به توسعه، تمایل آنها را به بهبود شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی و کیفیت مقررات دولتی افزایش می‌دهد، به طوری که کشش درآمدی شاخص GG و RQ صادرکنندگان نفت به ترتیب ۰/۰۷ و ۰/۲۱ و به لحاظ آماری معنادار است. با اینحال، ضریب متغیر درآمد سرانه بر شاخص تأمین قضایی و کنترل فساد منفی و به لحاظ آماری معنادار نیست (به ترتیب

1. Elasticity

۰/۰۳- و ۰/۰۳-). به نظر می‌رسد این یافته منطبق بر این ایده باشد که در کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل نبود چارچوب‌ها و ساختارهای قانونی سالم و کارآمد کسب و کار، اصولاً کارگزاران اقتصادی و سرمایه‌گذاران تمایل دارند از راه‌های غیرقانونی و فرایندهای ناسالم همچون دریافت/پرداخت رشوه (اثر رانت‌جویی) فعالیت‌های خود را در حوزه تولید، توزیع و مصرف پی‌گیری کنند. بنابراین افزایش درآمد در این کشورها امکان استفاده از مسیرهای غیرقانونی را افزایش و تقاضای برای اصلاحات قضایی و مبارزه با فساد را کاهش می‌دهد. نتایج مربوط به اثر مثبت درآمد سرانه بر GG، RQ، RL و CC کشورهای توسعه یافته به لحاظ تئوریک مورد انتظار است و نشان می‌دهد افزایش درآمد در این کشورها تقاضا برای اصلاحات نهادی را در جامعه افزایش می‌دهد.

متغیر جمعیت در گروه صادرکنندگان نفت خام به صورت مثبت و مستقیم با شاخص‌های حکمرانی و توسعه نهادی همبسته است؛ هرچند اثر آن تنها بر دو شاخص GG و RQ معنادار است. به بیان دیگر، در کشورهای نفتی یک درصد افزایش جمعیت به ترتیب در حدود ۰/۱۱ و ۰/۲۵ درصد تمایل مردم را به اصلاحات نهادی کلی و کیفیت مقررات نمایان می‌کند؛ زیرا با توسعه آموزش و سرمایه انسانی، انفجار اطلاعات و شکل‌گیری انتظارات جمعیت بیشتر شده، نسل جوان‌تر این گروه از کشورها، فشار بیشتری برای اصلاحات مورد نیاز جامعه بر حکومت و دولت تحمیل می‌کنند. اما به طور کلی اثر جمعیت بر توسعه نهادی کشورهای توسعه یافته تا حدودی با ابهام روبه‌روست. از یک سو، اندازه بزرگ‌تر کشور فشار و تقاضای بیشتری برای اصلاحات نهادی از جمله مردم‌سالاری و پاسخگویی (GG)، کیفیت مقررات (RQ) و ایجاد چارچوب‌های کنترل فساد (CC) تحمیل می‌کند؛ زیرا زمینه دستیابی به فرصت‌های برابر را برای تمامی شهروندان این گروه از کشورها تضمین می‌کند. اما از سوی دیگر جمعیت بیشتر، مشکلات اطلاعات نامتقارن و هزینه‌های مبادلاتی را دامن زده، اثر منفی و معناداری (۰/۰۲-) بر تأمین قضایی (RL) خواهد داشت.

گسترش آزادی‌های اجتماعی، توسعه جامعه مدنی و گوناگونی احزاب و انجمن‌ها در

گروه صادرکنندگان نفت خام با هر چهار شاخص حکمرانی همبستگی منفی و معنادار دارد. از آنجا که قدرت انحصاری فروش و صادرات منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز در اختیار دولت‌های این کشورهاست، منطقی به نظر می‌رسد گونه‌ای از اقتدارگرایی و تک‌صدایی در این کشورها بروز کند که گوناگونی گروه‌های فکری نه تنها وضع موجود را بهتر نکند، بلکه با آماده‌سازی بسترهای تبعیض گروهی و نژادی، جلوگیری از استفاده کارآمد از سرمایه‌های انسانی-فکری-سیاسی-اجتماعی، نفوذ نخبگان در حوزه سیاست‌های اقتصادی به سود گروه‌های صاحب قدرت و همچنین خویشاوندسالاری در شغل‌های کلیدی و حساس در بدنه دولت‌ها توسعه نهادی را به شدت محدود و سرکوب نماید (بلانکو و گریئر، ۲۰۱۲؛ کالستاد و ویگ، ۲۰۱۲). همچنین اثر آزادی مدنی بر شاخص‌های حکمرانی در گروه کشورهای توسعه یافته منفی و معنادار است. علاوه بر مطالب بیان شده، به نظر می‌رسد گسترش آزادی‌های مدنی پیش از دست یافتن به سطح مطلوب جهانی مشکلاتی را در بر خواهد داشت؛ زیرا گوناگونی بیشتر احزاب و گروه‌ها و گسترش آزادی بیان به بروز کثرت آرا و باورهای مستقل در این جوامع منتهی خواهد شد که احتمالاً بهبود هر چه بیشتر نهادهای حکمرانی را محدود می‌کند. بر همین اساس نیز بارو (۱۹۹۶) معتقد است اثر آزادی‌های مدنی بر رشد و توسعه جامعه تا حدود زیادی غیرخطی است.

سرانجام، به نظر می‌رسد وابستگی گسترده صنایع پایین دستی به حوزه انرژی در کشورهای صادرکننده نفت، از قبیل عرضه نهاده‌های اولیه ارزان قیمت به صنایع پتروشیمی، سیمان و فولاد، واردات گسترده کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای از درآمدهای ارزی ناشی از صادرات منابع طبیعی برای حمایت از صنایع داخلی بدون تیت جذب فناوری سرریز شده و انحراف سیاست‌های اقتصادی (مالی، پولی، ارزی و تجاری) و دستکاری نرخ‌های مالیاتی و تعرفه‌ای، به وابستگی منفی و معنادار صادرات دیگر کالاها به شاخص‌های حکمرانی و توسعه نهادی این گروه منتهی شده است. اما گفتنی است با توجه به خوش رفتاری

سیاست‌های اقتصادی و بسترهای مناسب نهادی، شناخت و استفاده از مزیت‌های نسبی و رقابتی، ایجاد انگیزه‌های کافی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نوآورانه و مولد و غیره زمینه اثرگذاری مثبت و همسو با صادرات دیگر کالاها بر شاخص‌های حکمرانی را در کشورهای توسعه‌یافته فراهم آورده است. بنابراین انتظار می‌رود قطع وابستگی به حوزه انرژی و اقتصاد تک محصولی، ایجاد گوناگون‌سازی صنایع اقتصادی، نگرش فرانسلی به درآمد ناشی از صادرات و فروش ثروت ملی و رونق صندوق‌های توسعه ملی برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، بسترهای گسترش قدرت رقابت‌پذیری اقتصادهای نفتی را ایجاد و در توسعه نهادی جامعه نقش بسزایی ایفا خواهد کرد.

تحت فرضیه صفر آزمون سارجن^۱ «فرانشاسایی محدودیت‌ها درست است». آماره این آزمون (J-statistic) دارای توزیع کای دو با $(p-k)$ درجه آزادی به‌طوری که p رتبه ماتریس ابزارها و k تعداد ضرایب برآوردی-است. آماره گزارش شده برای همه معادلات تصریحی بیانگر آن است که فرضیه صفر تأیید نمی‌شود و در نتیجه شناسایی محدودیت‌های مربوط به انتخاب ابزارها به درستی انجام شده است. همچنین آزمون AB_2 به بررسی این فرضیه می‌پردازد که «همبستگی مرتبه دوم در پسماندها صفر است». احتمال (p -value) این آزمون گواه آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد همبستگی مرتبه دوم در معادلات تصریحی دیده نمی‌شود.

استحکام یافته‌های رگرسیونی

اکنون برای بررسی استحکام یافته‌های رگرسیونی پانل پویا، نخست میانگین متحرک سه‌ساله شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی را محاسبه و سپس مدل رابراورد می‌کنیم. هدف این تحلیل سنجش پایداری ضرایب برآوردشده اصلی (به ویژه متغیر صادرات منابع طبیعی) نسبت به تغییر دوره زمانی است. با توجه به تشابه یافته‌های برآورد مدل میانگین متحرک با نتایج روش پویا، برای رعایت اختصار، در جدول ۲ تنها استحکام آماری مربوط

1. Sargan test

به اثر متغیر صادرات منابع طبیعی بر متغیرهای نهادی وابسته گزارش شده است. یافته‌های آماری جدول ۲ دلالت دارند که شواهد کافی برای پذیرفتن فرضیه اصلی این پژوهش مبنی بر «تأثیر منفی و فور منابع طبیعی بر توسعه نهادی کشورهای عمده صادرکننده نفت» وجود ندارد. همچنین تطبیق نتایج جدول ۲ با یافته‌های روش پویا در گروه صادرکنندگان نفت، بیانگر آن است که یافته‌های روش پویا از استحکام آماری کافی برخوردار است. البته مورد استثناء رابطه مثبت شاخص تأمین قضایی و صادرات منابع در گروه کشورهای نفتی است که بر خلاف روش پویا مقدار مثبت و معناداری را نشان می‌دهد. لذا انتظار می‌رود درآمدهای ارزی صادرات منابع طبیعی در کشورهای کمتر توسعه یافته بتواند موجب بهبود امنیت قضایی و حقوق مالکیت دارایی‌ها شود؛ زیرا به هر حال سیستم قضایی پرتوانی در این کشورها لازم است تا از دارایی‌های نامشروع دولت‌مردان و سیاستمداران که ناشی از فعالیت‌های رانت‌جویی و فساد بدست خواهد آمد، حمایت و پشتیبانی کند. در کشورهای نفتی شدت اثرگذاری درآمدهای ناشی از صادرات منابع طبیعی به ترتیب بر کیفیت مقررات و سیاست‌های اقتصادی ۰/۱۴-، کنترل فساد و کاهش رانت‌جویی و انحصارطلبی و خویشاوندسالاری ۰/۰۷- و شاخص حکمرانی و پاسخگویی ۰/۰۶- است. اما در کشورهای توسعه یافته استحکام آماری همبستگی بین شاخص کل حکمرانی (GG) و کنترل فساد (CC) و صادرات منابع طبیعی منفی و بی‌معنا، بین صادرات منابع و کیفیت مقررات (RQ) منفی و معنادار، و بین وفور منابع و شاخص تأمین قضایی (RL) مثبت و معنادار است. بنابراین نمی‌توان نسبت به اثرات بازدارنده صادرات منابع طبیعی بر وضعیت شاخص‌های حکمرانی این گروه با اطمینان اظهار نظر کرد. در واقع یافته‌های پژوهش پیش‌رو نتایج هیچ‌کدام از مطالعات تجربی را تأیید نمی‌کند و نتایج بینابینی به دست آمده که نه مانند مطالعه سال-آی مارتین و سوبرامانین (۲۰۰۳) اثر منفی و نه مانند مطالعات برونشوایر و بولت (۲۰۰۸)، برونشوایر (۲۰۰۸) و سرا (۲۰۰۶) اثر مثبت را نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد نتایج اقتصادسنجی در حوزه بلای منابع طبیعی در کشورهای توسعه یافته شدیداً نسبت به متغیرها و شاخص‌های جایگزین وفور منابع طبیعی،

دوره زمانی و تکنیک‌های آماری حساس باشد.

در مجموع به نظر می‌رسد شناخت علمی امکانات و منابع، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری منطقی، اجرای درست سیاست‌های اقتصادی برای توسعه صنایع بالادستی و پایین‌دستی حوزه منابع طبیعی و انرژی، جدایی از اقتصاد تک‌محصولی و متنوع‌سازی اقتصاد ملی، افزایش صادرات غیرنفتی و قدرت رقابت‌پذیری می‌تواند کشورهای صادرکننده نفت را از گرفتار شدن در دام بلای منابع مصون بدارد. در این خصوص می‌توان تجربه نروژ و بلژیک را به عنوان نمونه‌های موفق سیاست‌گذاری مرتبط با منابع طبیعی به ویژه نفت نام برد (لارسن^۱، ۲۰۰۵).

جدول ۲. استحکام یافته‌های رگرسیون میانگین متحرک ۳ ساله

۱۵ کشور برگزیده توسعه یافته				۱۶ کشور برگزیده نفتی				متغیر مستقل
متغیرهای وابسته								
LogCC	LogRL	LogRQ	LogGG	LogCC	LogRL	LogRQ	LogGG	سهم صادرات سوخت و کانی‌ها به کل صادرات کالا (LogNREx)
-۰/۰۱۸	۰/۰۰۰۳***	-۰/۰۲۲*	۰/۰۰۵	-۰/۰۷۴*	۰/۰۰۷*	-۰/۱۳۹*	-۰/۰۶۶*	
(-۱/۲۴)	(۱/۸۱)	(-۲/۸)	(۰/۸۵)	(-۲/۷۵)	(۲/۶)	(-۴/۲)	(-۳/۱)	

منبع: یافته‌های پژوهش

نشانه * و *** بیانگر سطح معناداری ۱ و ۱۰ درصد است و اعداد داخل پرانتز آماره t-Student را نشان می‌دهد.

با وجود اینکه برخی مطالعات نشان‌دهنده همبستگی مثبت بین درآمدهای نفتی و رشد اقتصادی است (مهرآرا، ۲۰۰۹) اما یافته‌های پژوهش پیش‌روی بیانگر آن است که اثر درآمدهای منابع طبیعی تنها به نرخ رشد اقتصادی کشورها محدود نمی‌شود. در حقیقت وفور منابع نخست به صورت مستقیم بر شاخص‌های حکمرانی و مردم‌سالاری، کیفیت مقررات و سیاست‌های اقتصادی، رانت‌جویی، فساد و سپس به صورت غیرمستقیم بر نرخ رشد بخش‌های مولدتر اقتصاد اثر می‌گذارد. برخلاف یافته‌های مطالعه مهرآرا (۲۰۰۹) که نتیجه می‌گیرد در دوره‌های انفجار ثروت‌های نفتی، پدیده بلای منابع در این کشورها روی نمی‌دهد، بایستی خاطر نشان کرد اتفاقاً در دوره‌های موردنظر در کنار افزایش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت که ممکن است موجب بهبود رشد اقتصادی شود،

1. Larsen

فعالیت‌های رانت‌جویی، برنامه‌ریزی‌های غیرکارشناسانه و چرخش مداوم سیاستی، فساد، کاهش پاسخگویی و عدم شفافیت مالی دولت گسترش می‌یابد که همگی اثرات مخرب پویا و بلندمدتی برای نیل به توسعه اقتصادی برجا می‌گذارد. از همین رو با اندکی مسامحه می‌توان بیان داشت عملکرد شاخص‌های حکمرانی کشورهای عمده نفتی مورد بررسی تا حدود زیادی با افزایش صادرات منابع طبیعی به ویژه سوخت‌های فسیلی و کانی‌ها، ضعیف‌تر می‌شود. بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر گواه آن است که اثر صادرات منابع طبیعی بر شاخص‌های حکمرانی به عنوان سنج‌ای از توسعه نهادی و اقتصادی، حداقل در کشورهای نفتی مورد بررسی منفی است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف پژوهش حاضر بررسی این پرسش است که آیا وفور منابع طبیعی که با شاخص صادرات نفت و گاز، سنگ‌های معدنی و کانی‌ها به صورت درصدی از کل صادرات کالاها نشان داده شده، بلای شیوه حکمرانی و توسعه است یا موهبتی خدادادی؟ بدین منظور برای توسعه از شاخص‌های حکمرانی _ مطابق با تعریف بانک جهانی _ استفاده شده است؛ زیرا به استناد مطالعات بسیاری اعتقاد بر آن است که این شاخص‌ها با توسعه همه-جانبه شدیداً در ارتباط هستند. در مدل‌های اقتصادسیاسی مبتنی بر مکانیسم بازار چارچوب‌ها و مکانیسم‌های اثرگذاری وفور و صادرات منابع بر عملکرد حکمرانی و توسعه اقتصادی شامل اثر مالیاتی، اثر رانتیر، اثر مخارج، اثر سرکوب و اثر تأخیری در گسترش صنایع بزرگ می‌شود. کاهش وابستگی بودجه دولت به مالیات‌ها، صرف مخارجی از سوی دولت برای جلوگیری از گسترش موج و فشار دموکراسی و استحکام احزاب مدنی و صنفی، سرکوب مردم و گروه‌های منتقد و ایجاد زمینه‌های گسترش رانت‌جویی مهم‌ترین مسیرهای تضعیف مردم‌سالاری، کیفیت مقررات، تأمین قضایی و کنترل فساد و به‌طور کلی توسعه نهادی جامعه به‌شمار می‌رود.

با توجه به درونزایی و تأثیر متقابل متغیرهای توضیحی مدل و شاخص‌های حکمرانی بر

یکدیگر و همچنین پویایی و تحولات نهادی سریع در کشورهای عمده نفتی و توسعه یافته برگزیده، روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) دارای خواص مجانبی مطلوب است. به طور کلی یافته‌های آماری پژوهش بیانگر آن است که:

- فرضیه صفر مبنی بر اثر منفی صادرات منابع طبیعی بر شاخص‌های کل حکمرانی (GG)، کیفیت مقررات (RQ)، تأمین قضایی (RL) و کنترل فساد (CC) در ۱۶ کشور برگزیده صادرکننده نفت طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۱ پذیرفته می‌شود. اما درباره اثر منفی وفور منابع طبیعی بر شاخص‌های حکمرانی در نمونه ۱۵ کشور برگزیده عضو OECD نمی‌توان با اطمینان اظهار نظر کرد. زیرا اثر وفور منابع بر شاخص RQ و CC منفی و بر شاخص RL مثبت و معنادار است.

- اثر مثبت درآمد سرانه بر شاخص‌های حکمرانی بیانگر این است که با افزایش درآمد مردم در هر دو گروه، تقاضا برای اصلاحات نهادی مورد توجه خانوارها و افراد قرار می‌گیرد. افزایش جمعیت نیز تقاضا برای بهبود شاخص‌های حکمرانی را در هر دو گروه افزایش می‌دهد. اما گسترش آزادی‌های مدنی در هر دو گروه از کشورها، اثری منفی بر بهبود حکمرانی برجای می‌گذارد و سرانجام، همبستگی بین شاخص‌های حکمرانی و صادرات غیرنفتی در کشورهای عمده صادرکننده نفت منفی و در کشورهای توسعه یافته مثبت است.

- استحکام یافته‌های آماری نشان می‌دهد فرضیه بالای منابع یا اثر منفی صادرات منابع طبیعی بر حکمرانی در کشورهای عمده نفتی مورد بررسی با اطمینان بالایی تأیید می‌شود، اما نتایج برای کشورهای توسعه یافته مستحکم نیست و یا حداقل با اطمینان نمی‌توان درباره آن اظهار نظر کرد.

در مجموع به نظر می‌رسد کشورهای صادرکننده نفتی مورد بررسی با اتکاء به شناخت و برنامه‌ریزی دقیق در حوزه نفت و گاز و دیگر منابع طبیعی، سیاست‌گذاری علمی و کارشناسانه و پرهیز از چرخش سیاستی، تغییر دیدگاه نسبت به درآمدهای سرشار صادرات انرژی به نگرش ثروت ملی و فرانسولی، ایجاد صندوق‌های توسعه ملی برای هزینه کردن این

ثروت در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مولد و نوآورانه بخش خصوصی، تقویت پایه‌های مالیاتی، توسعه سیستم قضایی و مبارزه برای پیشگیری از فساد و رانت جویی و سرانجام تعیین چشم‌انداز برای کاهش یا قطع وابستگی به درآمدهای حوزه منابع طبیعی از مهم‌ترین پیشنهادات این پژوهش برای استفاده موثر از منابع طبیعی برای نیل به حکمرانی بهتر و توسعه اقتصادی است.

منابع و مآخذ

- ابراهیمی، محسن و سالاریان، محمد (۱۳۸۸). بررسی پدیده نفرین منابع طبیعی در کشورهای صادرکننده نفت و تأثیر حضور در اوپک بر رشد اقتصادی کشورهای عضو آن. *فصلنامه اقتصاد مقداری*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۷-۱۰۰.
- بهبودی، داود، اصغرپور، حسین، بهشتی، محمدباقر و محمدلوی نویده (۱۳۹۰). مقایسه نقش کیفیت نهادی بر بلای منابع طبیعی در بین کشورهای صادرکننده نفت خام. *پژوهش نامه علوم اقتصادی*، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۱-۲۰.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبدالله (۱۳۹۲). بررسی تأثیر حکمرانی بر رشد اقتصادی کشورهای برگزیده: مطالعه پانل دیتا. *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۱-۲۲.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبدالله (۱۳۸۹). حکمرانی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی کشورهای منتخب. *مجله علمی-ترویجی راهبرد یاس*، شماره ۲۲، صص ۱۲۹-۱۶۸.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبدالله (۱۳۹۱). رابطه حکمرانی با شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورهای برگزیده. *دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال نهم، شماره ۲، صص ۵۳-۷۵.
- شیرخانی، محمدعلی، براری، اباذر و دپوزش شیرازی، حسین (۱۳۸۹). تئوری نفرین منابع یا نحوه مدیریت درآمدهای نفتی، مطالعه موردی: مقایسه ایران و نروژ. *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۰، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۶، صص ۱-۲۴.
- مهرآرا، محسن و کیخا، علیرضا (۱۳۹). نهادها، نفت و رشد اقتصادی در کشورهای متکی به نفت طی دوره ۲۰۰۵-۱۹۷۵: روش پانل هم‌انباشتگی. *فصلنامه اقتصاد مقداری*، دوره ۵، شماره ۴، صص ۵۵-۷۹.
- Ales, A. and Di Tella, R. (1999). Rents, competition and corruption. *American Economic Review*, 89(4); 982-993.

- Aslaksen, S. (2009). Corruption and oil: Evidence from panel data. Mimeo (Working Paper) Available at: <http://folk.uio.no/siljeas/Corruption.pdf>. Accessed 28 December 2010.
- Aslaksen, S. (2010). Oil and democracy - More than a cross-country correlation? *Journal of Peace Research*, 47(4); 421-431.
- Auty, R. (2001). The political economy of resource-driven growth. *European Economic Review*, 45(4-6); 839-846.
- Auty, R. (2007). The natural resources, capital accumulation and the resource curse. *Ecological Economics*, 61(1); 627-634
- Baland, J. M. and Francois, P. (2000). Rent seeking and resource booms. *Journal of Development Economics*, 61(2); 527-542.
- Barro, R. (1999). Determinants of democracy. *Journal of Political Economy*, 107(S6); 158- 183.
- Barro, R. (1996). Democracy and Growth. *Journal of Economic Growth*, 1, pp. 1-27.
- Bhattacharyya, S. and Hodler, R. (2010). Natural resources, democracy and corruption. *European Economic Review*, 54(4); 608-621.
- Bjørnskov, C. and Méon, P. G. (2010). The productivity of trust. *CEB Working Paper No. 10/042*, Available at: laep.univ-paris1.fr/SEPIO/SEPIO110208Meon.pdf.
- Blanco, L. and Grier, R. (2012). Natural resource dependence and the accumulation of physical and human capital in Latin America. *Resources Policy*, 37(3); 281-295.
- Blundell, R. and Bond, S. (1998). Initial conditions and moment restrictions in dynamic panel data models. *Journal of Econometrics*, 87(1); 115-143.
- Brunetti, A. and Weder, B. (2003). A free press is bad for corruption. *Journal of Public Economics*, 87(7-8); 1801-1824.
- Brunnschweiler, C. (2008). Cursing the blessings? Natural resource abundance, institutions, and economic growth. *World Development*, 36(3); 399-419.
- Brunnschweiler, C. and Bulte, E. (2008). The resource curse revisited and revised: A tale of paradoxes and red herrings. *Journal of Environmental Economics and Management*, 55(3); 248-264.
- Bulte, E. H., Damania, R. and Deacon, R. T. (2005). Resource intensity, institutions, and development. *World Development*, 33(7); 1029-1044.
- Busse, M. and Gröning, S. (2011). **The resource curse revisited: Governance and natural resources**. Hamburg Institute of International Economics, (HWWI paper 106), Available at: hwwi.rohindex.de/uploads/tx.../HWWI_Research_Paper_106.pdf.
- Carbonnier, G., Wagner, N. and Brugger, F. (2011). The impact of resource-dependence and governance on sustainable development. (*CCDP Working Paper*), Available at: graduateinstitute.ch/.../Working_Paper_8_Web%20version%202.pdf.
- Cavalcanti, T., Mohaddes, K., & Raissi, M. (2011). Growth, development and natural resources: New evidence using a heterogeneous panel analysis. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 51(1); 305- 318.
- Clark, J. (1997). Pretro-politics in Congo. *Journal of Democracy*, 8(3); 62-76.
- Coxhead, I. (2007). A new resource curse? Impacts of China's boom on comparative advantage and resource dependence in Southeast Asia. *World Development*, 35(7); 1099-1119.
- Daniele, V. (2011). Natural resources and the "quality" of economic development. *The Journal of Development Studies*, 46(4); 545-573.

- Fayissa, B., and Nsiah, C. (2010). The impact of governance on economic growth: Further Evidence for Africa. Available at: capone.mtsu.edu/berc/working/Governance_WPS_2010_12.pdf.
- Freedom House (2012). Freedom in the world. Available at: <http://www.freedomhouse.org>. Accessed 10 May 2012.
- Goel, R. K. and Korhonen, I. (2009). Composition of exports and cross-country corruption. (Institute for Economics in Transition, BOFIT Discussion Papers 5/ 2009). Available at: www.suomenpankki.fi/bofit.
- Hodler, R. (2006). The curse of natural resources in fractionalized countries. *European Economic Review*, 50(6); 1367-1386.
- Isham, J., Woolcock, M., Pritchett, L. and Busby, G. (2005). The varieties of resource experience: Natural resource export structures and the political economy of economic growth. *World Bank Economic Review*, 19(2); 141-174.
- Johnston, J. and Dinardo, J. (1997). *Econometric methods*. McGraw-Hill Company, Fourth Edition, New York.
- Kaufmann, D. and Kraay, A. (2003). Governance and Growth: Causality which way? - Evidence for the World. in brief, Available at: uoit.ca/sas/governeaceAndCorr/GovGrowth.pdf.
- Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M. (2009). Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators. 1996-2008 (World Bank Policy Research Working Paper 4978).
- Khan, M. H. (2007). Governance, economic growth and development since the 1960s. *DESA Working Paper No. 54*, Available at: www.un.org/esa/desa/papers/2007/wp54_2007.pdf.
- Knack, S. and Azfar, O. (2003). Trade intensity, country size and corruption. *Econ. Gov.* 4; 1-18. Available at: www.globalsepri.org/UploadPhotos/2008912193211213.pdf
- Kolstad, I. and Wiig, A. (2009). Political economy models of the resource curse: Implications for policy and research. *Occasional Paper*, No. 40, South African Institute of International Affairs (SIIA), Johannesburg.
- Kolstad, I. and Wiig, A. (2009). Testing the Pearl Hypothesis: Natural resources and trust. *Resources Policy*, 37(3); 358-367.
- Krugman, P. (1987). The narrow moving band, the Dutch disease, and the competitive consequences of MRS. Thatcher. Notes on trade in presence of dynamic scale economies. *Journal of development economics*, 27, 41-55.
- Lane, P. R. and Tornell, A. (1999). The voracity effect. *American Economic Review*, 89(1); 22-46.
- Leite, C., & Weidmann, J. (2002). Does moter nature corrupt? Natural resources, corruption, and economic growth. In G. Abed and S. Gupta (Eds.), *Governance, corruption, and economic performance* (pp. 159-196). Washington, DC: International Monetary Fund.
- Mainguy, C. (2011). Natural resources and development: The gold sector in Mali. *Resources Policy*, 36(1); 123-131.
- Mehlum, H., Moene, K. and Torvik, R. (2006). Cursed by resources or institutions? *The World Economy*, 29(8); 1117-1131.
- Mehrara, M. (2009). Reconsidering the resource curse in oil-exporting countries. *Energy Policy*, 37(3); 1165-1169.

- Overseas Development Institute (2006). Meeting the challenge of the 'resource curse' international experiences in managing the risks and realising the opportunities of non-renewable natural resource revenues. Business and Development Performance, London. Available at: www.odi.org.uk/resources/download/587.pdf.
- Papyrakis, E. and Gerlagh, R. (2004). The resource curse hypothesis and its transmission channels. *Journal of Comparative Economics*, 32(1); 181-193.
- Robinson, J. A., Torvik, R. and Verdier, T. (2006). Political foundations of the resource curse. *Journal of Development Economics*, 79(2); 447-468.
- Rodrik, D., Subramanian, A. and Trebbi, F. (2004). Institutions rule: The primacy of institutions over geography and integration in economic development. *Journal of Economic Growth*, 9(2); 131-165.
- Ross, M. (2001). Does oil hinder democracy? *World Politics*, 53(3); 325-361.
- Ross, M. (2009). Oil and democracy revisited. Mimeo (Working Paper), Available at: <http://www.sscnet.ucla.edu/polisci/faculty/ross/Oil%20and%20Democracy%20Revisited.pdf>.
- Sala-i-Martin, X. and Subramanian, A. (2003). Addressing the natural resource curse: An illustration from Nigeria. *NBER Working Paper* 9804.
- Sachs, J. and Warner, A. (1995). Natural resource abundance and economic growth. *NBER Working Paper* 5398.
- Serra, D. (2006). Empirical determinants of corruption: A sensitivity analysis. *Public Choice*, 126(1); 225-256.
- Torvik, R. (2002). Natural Resources, rent seeking and welfare. *Journal of Development Economics*, 67(2); 455-470.
- Treisman, D. (2000). The causes of corruption: A cross-national study. *Journal of Public Economics*, 76(3); 399-457.
- Tsui, K. (2011). More oil, less democracy: Evidence from worldwide crude oil discoveries. *Economic Journal*, doi: 10.1111/j.1468-0297.2009.02327.x.
- Vicente, P. (2010). Does oil corrupt? Evidence from a natural experiment in West Africa. *Journal of Development Economics*, 92(1); 28-38.
- Williams, A. (2011). Shining a light on the resource curse: An empirical analysis of the relationship between natural resources, transparency, and economic growth. *World Development*, 39(4); 490-505.
- Windmeijer, F. (2005). A finite sample correction for the variance of linear efficient two-step GMM estimators. *Journal of Econometrics*, 126(1); 25-51.
- World Bank (2012). World development indicators. Available at: <http://data.worldbank.org/data catalog>. Accessed 20 May 2012.
- World Bank (2012). World Governance indicators. Available at: <http://data.worldbank.org/data catalog>. Accessed 20 May 2012.

پیوست ۱. نام کشورها و چکیده داده‌های آماری آنها

کشورهای برگزیده عضو OECD				کشورهای برگزیده صادرکننده نفت			
ردیف	نام کشورها	میانگین شاخص کل حکمرانی	میانگین سهم صادرات سوخت به صادرات کالاها	ردیف	نام کشورها	میانگین شاخص کل حکمرانی	میانگین سهم صادرات سوخت به صادرات کالاها
۱	استرالیا	۱/۵۶	۲۳/۶	۱	الجزایر	-۰/۹۶	۹۶/۶
۲	اتریش	۱/۶	۲/۵	۲	بحرین	۰/۲	۴۴/۱
۳	کانادا	۱/۶	۱۷/۲	۳	اکوادور	-۰/۶۸	۴۵/۹
۴	شیلی	۱/۱۴	۱/۱	۴	مصر	-۰/۴۶	۴۱/۵
۵	جمهوری چک	۰/۸۳	۳/۱	۵	ایران	-۰/۹	۸۰/۳
۶	دانمارک	۱/۸۷	۶/۷	۶	اردن	۰/۰۵	۰/۳
۷	فرانسه	۱/۲۲	۳/۱	۷	کویت	۰/۳	۹۱/۹
۸	آلمان	۱/۵	۱/۷	۸	لیبی	-۱/۰۸	۹۲/۹
۹	ایتالیا	۰/۷۶	۲/۶	۹	نیجریه	-۱/۱۶	۹۵/۵
۱۰	ژاپن	۱/۰۸	۰/۸	۱۰	عمان	۰/۳۶	۸۱/۹
۱۱	مکزیک	-۰/۰۵	۱۱/۷	۱۱	قطر	۰/۴۲	۸۷/۷
۱۲	نروژ	۱/۶۶	۶۰/۵	۱۲	عربستان	-۰/۶۷	۸۹/۱
۱۳	ترکیه	-۰/۱۸	۲/۶	۱۳	سوریه	-۰/۸۸	۵۹/۳
۱۴	انگلستان	۱/۵	۸/۷	۱۴	امارات	۰/۴۷	۸۰/۹
۱۵	ایالات متحده	۱/۳۵	۳/۱	۱۵	ونزوئلا	-۰/۸۵	۸۵/۵
				۱۶	یمن	-۰/۹۹	۹۳/۷

منبع: یافته‌های پژوهش